



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۶۰

۲ خرداد ۱۳۸۲

۲۳ مه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

اوضاع سیاسی ایران بعد از اشغال عراق

۲- اپوزیسیون رژیم،
جنبش سرنگونی

فاتح بهرامی

در صحنه سیاسی ایران، بویژه پس از مقطع دو خرداد ۷۶، دو فاکتور اساسی و مهم که مهرش را بر آینده سیاسی ایران کوبیده است و هر تحول سیاسی در جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد، یکی جنبش مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است و دیگری عروج حزب کمونیست کارگری ایران. جنبش سرنگونی و عزم توده میلیونی مردمی که برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی و پایان دادن به بیست و پنج سال جنایت و سرکوب و لگدمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانی در ایران به میدان آمده است، یک فاکتور برگشت ناپذیر در اوضاع سیاسی ایران است. این جنبش خود منشا بحران سیاسی چاره ناپذیر حکومت و اختلاف جناحهای درون رژیم اسلامی در سالهای اخیر است. تمام دعوای درون حکومت بر سر نحوه بخانه فرستادن مردم و ترمز زدن به پیشروی این جنبش سرنگونی بوده است. عروج این جنبش بود که اساس تلاش و فعالیت جریانات سیاسی مرتجع را توضیح میدهد که در شش سال گذشته برای سرپا ماندن رژیم اسلامی از هیچ جانفشانی برای تقویت جناح دو خرداد و مقابله با مردم ایران فروگذار نکردند. حتی پیشروی این جنبش و قطعی شدن شکست پروژه اصلاح جمهوری اسلامی بود که باعث شد بخشی از جریان سلطنت طلب، مشروطه خواهان، که در ابتدا بدفاع از جریان خاتمی برخاسته بود را به یکی از نیروهای اپوزیسیون خواهان برانزازی جمهوری اسلامی بدل کند. روشن است که وقتی معلوم شد که هیچ تلاش ارتجاعی از جانب حکومت و اپوزیسیون طرفدار آن عزم مردم ایران را برای انداختن جمهوری اسلامی سست نکرد و وقتی معلوم شد که رژیم اسلامی در آستانه فروپاشی و سرنگونی است، آنگاه صف آرائی همان جریانات سیاسی، باز هم برای مقابله با قدرت گیری چپ و حرکت آزادخواهانه مردم، تغییر مسیر میدهد. بهمین دلیل است که بخش عمده ای از همان جریانات ملی اسلامی که شش سال افتخار پادوئی برای جناحی از

صفحه ۴

دستمزدهای پرداخت نشده کارگران باید فوراً و تماماً پرداخت شود!



به سازمانهای کارگری و احزاب و سازمانهای
مدافع حقوق کارگر در سراسر جهان

**تقاضای اقدام اضطراری
در حمایت از کارگران ایران**

کارگران چیت سازی بهشهر در شمال ایران

دست به اعتصاب غذا زده اند از آنها حمایت کنید

کند که بر سر خانواده های کارگران چه آمده است. کارفرماها به بهانه های مختلف دستمزد را نمیدهند و جمهوری اسلامی نه تنها مسئولیتی در این زمینه

صفحه ۲

چندبار زیر خط فقر است. اما امتناع از پرداخت همین دستمزد ناچیز نیز اکنون به یک روال کاملاً عادی تبدیل شده است. از نظر ما این یک جنایت در حق کارگران و خانواده های آنها است. هر کس میتواند تصور

نزدیک به یک میلیون کارگر در شهرهای مختلف ایران ماهها و بعضاً چند سال است دستمزدشان پرداخت نشده است. دستمزد کارگران در ایران بنابه اظهار نظر مقامات حکومت اسلامی و آمارهای رسمی این دولت

**حمایت بین المللی از کمپین حزب
در دفاع از کارگران بهشهر**

صفحه ۲

دو سند از

حزب کمونیست کارگری عراق

قطعنامه درباره اوضاع سیاسی عراق، بیانیه آزادیهای سیاسی

صفحه ۳

مردم عراق باید عروج کنند

مظفر محمدی



او را برداریم، باید ۳۰ سال دیگر صبر کنیم. این حرف یک مفسر یا جامعه شناس نبود، حرف یک نفر از مردم عادی عراق بود که خیلی هایشان در آن زمان در زیر سنگینی بوق و کرنای تبلیغات ناسیونالیستهای کرد عراقی به نفع جنگ آمریکا ساکت شده بودند. او راست میگفت. رژیم صدام در سختترین و ضعیفترین دوران عمر خود به سر میبرد. نفرت عمومی از این رژیم حتی در میان صفوف نظامی خودش موج میزد. شیرازه خیلی از

هنگامیکه در عراق بودم و تازه جنگ آمریکا علیه مردم عراق شروع شده بود، شاهد بحث جمعی از مردم سلیمانیه بر سر جنگ بودم. تعدادی از عملیات نظامی آمریکا پشتیبانی میکردند و تعدادی هم ساکت بودند. از یکی از آنها پرسیدم تو چه میگوئی؟ گفت من فکر میکنم اکنون صدام حسین از هر رژیمی که بخواهد سر کار بیاید ضعیف تر است. اگر ما خودمان نتوانیم صدام را برداریم، هیچوقت نخواهیم نتوانست یک رژیم نظامی آمریکایی یا دست نشانده

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

تقاضای

اقدام اضطراری ...

بعده نمیگیرد بلکه اعتراض کارگران را نیز سرکوب میکند. با اینهمه علیرغم فقدان آزادی تشکل و اعتصاب و سرکوب روزمره مبارزات کارگران توسط جمهوری اسلامی، روزی نیست که کارگران کارخانه ای دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی و بستن جاده ای اقدام نکنند.

یکی از این اعتراضات که نزدیک به یکماه است با شدت و حدت جریان دارد اعتراض کارگران چیت سازی بهشهر در شمال ایران است که به عدم پرداخت دستمزدهای خود در ۲۷ ماه گذشته اعتراضات گسترده و پیگیری را شروع کرده اند. تظاهرات کارگران این کارخانه در هفته های گذشته با حمایت وسیع خانواده ها و کارگران سایر کارخانجات این شهر و مردم آزادیخواه بهشهر قرار گرفته است. روز ۱۶ آوریل کارگران همراه با ۲۵ هزار نفر از کارگران و مردم شهر راهپیمائی کردند که با سرکوب، دستگیری، گازشک آور و حکومت نظامی مواجه شدند اما کارگران مصممانه به اعتراض ادامه میدهند. از روز پنجشنبه ۱۵ مه کارگران ناچار دست به اعتصاب غلای نامحدود دست زده و امروز سومین روز اعتصاب غلای آنها است. آنها حمایت یکپارچه مردم شهر را با خود دارند. ۲۰۰۰ کارگر کارخانه چیت سازی بهشهر و سایر کارگران ایران به حمایت سازمانهای کارگری در سراسر جهان، و به حمایت تمامی سازمانها و احزاب آزادیخواه و مدافع حقوق کارگر نیاز مبرم دارند. با نوشتن نامه های حمایتی، با محکومیت جمهوری اسلامی، و با هراقدام دیگری که مناسب میدانید جمهوری اسلامی را برای پرداخت فوری دستمزدهای معوقه کارگران بهشهر و یک میلیون کارگر دیگر در ایران، بیمه بیکاری مکفی، افزایش فوری دستمزدها و آزادی اعتراض، اعتصاب و تشکل پشتیبانی کنید. حمایت شما تاثیر مستقیمی بر روحیه مبارزاتی کارگران، بر تمیق همبستگی بین المللی کارگری و بر عقب راندن حکومت اسلامی خواهد داشت.

زنده باد همبستگی و اتحاد جهانی کارگران

اصغر کریمی

از طرف

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مه ۲۰۰۳

حمایت بین المللی از کمپین حزب در دفاع از کارگران بهشهر

در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران، حمایت بین المللی از کمپین حزب در دفاع از کارگران بهشهر شروع شده است. شماری از سازمانهای کارگری و سیاسی در کشورهای مختلف حمایت خود را از کارگران چیت بهشهر و مبارزه کارگران ایران برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده اعلام کردند:

* "فدراسیون بین المللی کارگران فلز"، با دهها میلیون عضو و صدها شعبه در سراسر جهان، که مرکز آن در ژنو قرار دارد، با تایید قطعنامه پیشنهادی حزب کمونیست کارگری، از مبارزات کارگران چیت بهشهر و سایر کارگران ایران حمایت کرد. در این قطعنامه بعد از مقدمه ای در توضیح عدم پرداخت دستمزد صدها هزار تن از کارگران از ۳ تا ۳۰ ماه آمده است:

"۱- ما از مبارزه کارگران ایران برای گرفتن دستمزدهایشان کاملا حمایت میکنیم
۲- ما حکومت اسلامی ایران را به خاطر سرکوب اعتراضات کارگران و پایمال کردن حقوق آنها و بدلیل خودداری آشکار از قبول مسئولیت در قبال خواستها و مسائل کارگران قاطعانه محکوم میکنیم.
۳- ما خواستار پرداخت فوری و کامل دستمزد کارگران چیت بهشهر و سایر کارگران ایران هستیم. به کارگران باید خسارت تاخیر و بیمه بیکاری مکفی پرداخت شود.
۴- ما همچنین خواهان برسمیت شناختن حق اعتصاب، حق تشکل و قرارداد جمعی و آزادی بی قید و شرط بیان و تجمع در ایران هستیم."
* مسئول تشکل "پلاتفرم آزادیهای

* آ. هولبرگ از طرف "سازمان کمونیستی برای انترناسیونال چهارم در آلمان" نیز با امضای قطعنامه حزب کمونیست کارگری ایران، نسبت به وضعیت کارگران ایران اعتراض کرد و حمایت خود را از کارگران چیت بهشهر ابراز نمود.

موج حمایت بین المللی از کمپین حزب در دفاع از کارگران ایران ادامه دارد و اخبار دیگر در اینمورد بعدا باطلاع میرسند. دستمزدهای معوقه فوراً و تماماً باید پرداخت شوند. جمهوری اسلامی را باید به این خواست بدهی کارگران تسلیم کرد.

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

از صفحه ۱ مردم عراق باید عروج کنند

بگسلد، و بدون اینکه زیربنای اقتصادی مملکت خراب شود. آنوقت این مردمی که امروز به غارتگری و دزدی متهم میشوند، مردمان انقلابی ای بودند که با اراده خود بنای یک جامعه آزاد و انسانی را پی میریختند. اما امروز یک سناریوی سیاه در عراق بوجود آمده است. شیرازه جامعه ازهم گسسته، ارتجاعیترین گرایش و جریان و شخصیتهای جامعه عراق به قله قدرت پرتاب شده اند و دارند سرنوشت مردم را رقم میزنند. ژنرال گارتر آمریکایی، آیت الله حکیم، احمد چلبی، بارزانی و طالبانی و چندین نفر روسای قبایل و عشایر قرار است بنشینند و قانون زندگی مردم عراق را بنویسند. این ترکیب حاکمیت قلابی و سرهم بندی شده، اجزای یک سناریوی سیاهند که اگر امروز در پای چکمههای ژنرالهای آمریکایی و انگلیسی کرش میکنند، فردا یک جنگ داخلی تمام عیار قومی و مذهبی به راه میاندازند که تلفات جانی و مالی اش کمتر از جنایتهای صدام حسین نخواهد بود.

مردم تاوان حضور رژیم صدام را پرداخته بودند، اما تاوان یک جنگ داخلی، دیگر در توان و تحمل مردم ستمدیده عراق، کارگران نفت و پارچه بافی و سیمان و سیگار و زنانی که همسروشانشان در بغداد و سلیمانیه به ضرب گلوله ناموس پرستان کشته و سربریده شدند و پدران و مادران کودکانی که از گرسنگی و بی دارویی مردند، نیست.

باید جلو این توحش را گرفت. نه آمریکا حق دارد بر عراق حکومت کند و نه نوکران و دست نشاندهانش نماینده مردم عراقند. نان و آزادی و زندگی مردم را باید به دست خودشان داد. نه وجود اکثریت شیعه و اقلیت سنی" و نه حضور عشایر و گروههای قومی هیچکدام ذره ای حقانیت به دموکراسی آمریکایی در عراق نمیدهند. محتوم نیست که مردم عراق به این اکثریت و اقلیتهای مذهبی و قومی تقسیم شوند. اکثریت مردم عراق کارگر و زحمتکش اند.

آنها نفعی در قمه کشی و سینه زنی دار و دسته آخوند و گروههای آدمکش و یا ایستادن پشت سر روسای عشایر بارزانی و طالبانی ندارند. تعصبات و حضور یک نیروی اشغالگر تعدادی را به زیر پرچم حکیم ها و این و آن رییس طایفه و عشیره رانده است. باید جلو دامن زدن به تعصبات دینی و

قومی و عشیتری را گرفت که زندگی مردم را به تباهی نکشاند. اگر رژیم صدام با یک انقلاب توده ای میرفت، مردم عراق امروز این مشکلات مضاعف را نداشتند. از طرفی باید به دخالت یک نیروی اشغالگر خاتمه داد و از طرف دیگر باید جلو یک سناریوی سیاه ناشی از سرهم بندی کردن یک حاکمیت ارتجاعی دینی- قومی را گرفت و آن را منحل کرد.

مردم عراق باید عروج کنند. نیرویی که باید برای سرنوشت رژیم صدام عروج میکرد اکنون میتواند برای پس راندن تهاجم آمریکا و انحلال دست نشاندهانش پشت راست کند و به میدان بیاید. شاید هنوز دیر نشده است. کارگران شرکت نفت و پالایشگاه های بصره و بغداد و موصل و کرکوک و دیگر بخشهای کارگران در اربیل و سلیمانیه سابقه تاریخی در مبارزه علیه سرمایه داری، ارتجاع و استبداد در عراق دارند. این نیرو به اضافه جوانان و دانشجویان دانشگاه های عراق و توده زنانی که در چرخاندن بخشهایی از جامعه، از آموزش و پرورش تا بیمارستانها و بخشهای فنی و خدماتی شهرهای بزرگ و کوچک عراق، نقش جلی داشته اند، آن نیرویی است که میتواند جلو فروپاشی کامل همه اجزای زندگی و مدنیت جامعه عراق را بگیرد. کمونیستها و پیشروان صفوف این مردم میتوانند نماینده اعتماد به خود و امید و آرزوهایشان باشند و این توده میلیونی را مستقل از مذهب و ملیت و زبان و نژاد و جنس برای خواستهای انسانی و برابرشان متحد و یکپارچه کنند.

در عراق سوسیالیسم و کمونیسم خوشنام است. کمونیسمی که مورد نظر مارکس و منصور حکمت بود، کمونیسم کارگری، امروز تنها شانس مردم عراق، کارگران، زنان و جوانان است و باید به دورش گرد آمد. حزب این جریان، حزب کمونیست کارگری عراق امروز در میدان است. حزب کمونیست کارگری عراق و همه کمونیستها و کارگران آگاه، جوانان آزادیخواه و زنان برابری طلب امروز این وظیفه تاریخی در مقابلشان قرار گرفته است که جامعه خود را از سناریوی سیاهی که انتظارشان را میکشد نجات دهند. این وظیفه سنگینی است اما غیر ممکن نیست. باید دور این حزب جمع شد. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قطعنامه حزب کمونیست کارگری عراق درباره: اوضاع سیاسی عراق پس از سقوط رژیم بعث و سیاست ما

نقشه و اهداف آمریکا در برپا کردن جنگ، گسیختن شیرازه جامعه، نابود کردن بنیادهای معیشت جامعه و صحبت از شکل دادن به حاکمیت آینده عراق، ربطی به ادعای "تابودی سلاحهای کشتار جمعی، پایان دادن به دیکتاتوری و آزاد کردن مردم عراق" نداشته است. اینها صرفاً پروپاگاندا آمریکا در جهت پیشبرد میلیتاریسم و تعقیب اهداف جهانی خود هستند. آنچه آمریکا در عراق ببار آورده، بخشی از استراتژی "نظم نوین جهانی" است که هیات حاکمه آمریکا از اوایل دهه نود در راستای تحمیل قدرت و نقش یگانه خود بر جهان دنبال کرده است. در این چارچوب، اوضاع کنونی عراق پرده اول سناریوی آمریکا برای ترسیم مجدد جغرافیای سیاسی خاورمیانه بر مبنای یک سیستم یکجانبه امنیتی و سیاسی است که از راه آن برای دوره ای طولانی منافع اقتصادی گسترده سرمایه و شرکت های آمریکایی و متحان آن در منطقه تامین شود. به این ترتیب عراق عرصه ای از پروسه به سرانجام رساندن کشمکشهای پس از دوره جنگ سرد و بخشی از استراتژی نظم نوین جهانی آمریکاست. پس از سقوط رژیم بعث، آمریکا با معضل خلاء قدرت سیاسی مواجه شده است. بورژوازی عراقی پرو آمریکا آلترناتیو و پلانفرم سراسری و واحدی ندارد. جریانات ناسیونالیست و اسلامی و دارودسته های دیگر قادر به نمایندگی کردن کل بورژوازی عراق نیستند. در چنین اوضاعی تحمیل "حکومت موقت" شبه نظامی آمریکا مرکب از بقایای رژیم بعث و دارودسته های مرتجع اسلامی و قومی و روسای عشایر و شماری تکنوکرات غربی، زیر نام دمکراتیزه کردن قدرت در عراق، راه حل این بحران نیست و شرایط را پیچیده تر و سناریوی سیاه را عمیق تر میکند. چنین آلترناتیوی نه فقط مردم عراق را نمایندگی نمیکند، بلکه جامعه را در گرداب جنگ و جدال دارودسته های ارتجاعی قومی و اسلامی و عشیره ای غرق خواهد کرد.

کشمکش است و بر سر مساله آینده عراق و منطقه با معضلات جلی روبرو خواهد شد. جنگ و اشغال عراق به بسیج نیرو در سطح جهان عرب توسط ناسیونالیسم عرب میدان میدهد و امکان میدهد که ناسیونالیسم شکست خورده بعث در شکل و شمایل دیگر خود را بازسازی و برای آمریکا سد و مانع ایجاد کند.

مردم عراق به آمریکا به چشم نیروی اشغالگر نگاه میکنند و این امر به اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب امکان میدهد که از آن برای پیشبرد جنبش خود بهره برداری کنند. در کنار اینها فقدان یک آلترناتیو واحد و سراسری در دست آمریکا، راهی جز استقرار درازمدت نیروهایش برایش باقی نمیگذارد و این به نوبه خود به گسترش خشم مردم عراق، ازهم گسیختن شیرازه جامعه، بروز جنگ و جدال قومی و دینی و عمیق تر شدن سناریوی سیاه می انجامد. همه این فاکتورها در جهت شکست سیاسی آمریکا تاثیرگذار میشوند.

– ناسیونالیسم عرب در عراق که با نابودی رژیم بعث ضربه خورده است، با قالب زدن اوضاع کنونی در چارچوب "جنگ علیه اشغالگران بیگانه" و با شعار "عراق آزاد"، برای اعاده نقش سابق خود و سرانجام بودن سهمی برای بورژوازی عرب در نظم نوین جهانی، راه جنگ و جدال ارتجاعی در پیش میگیرد. این جنبش و احزاب آن با دفاع از استبداد قومی و با خصلت شوونیستی خود، در برابر جنبش آزادیخواهی کارگران و زحمتکشان عراق می ایستد و به یک پای راه انداختن دشمنی قومی و شقه شقه کردن صفوف کارگران و توده مردم آزادیخواه بدل میشوند.

– ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق، با قرار گرفتن در کنار سیاستهای آمریکا مردم کردستان را از صف مبارزه آزادیخواهانه و انساندوستانه دنیا و منطقه دور میکنند. این احزاب بخاطر حفظ قدرت و گرفتن امتیازاتی برای خود، دست در دست ضدبشری ترین نیروی جهان و مرتجع ترین دارودسته های قومی و اسلامی گذاشته اند. اینها نه فقط مستقیماً

کمونیست کارگری عراق برای پاسخگویی فوری به اوضاع نامساعد کنونی و پایان دادن به هرج و مرج و سناریوی سیاهی که ببار آمده است، و همزمان برای ایجاد یک فضای سیاسی باز و آزاد در برابر مردم عراق که بتوانند نظام سیاسی آتی خود را تعیین کنند در شرایط کنونی بر نکات زیر تاکید میکنند:

– خارج شدن فوری نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا و سپردن اداره و امنیت و زندگی ملتی شهرهای عراق برای یک دوره موقت به نیروهای سازمان ملل. دادن فرصت آزادانه و فراهم کردن امکانات برای احزاب و جریانات سیاسی تا برنامه و آلترناتیو و پلانفرم خود را به توده مردم عرضه کنند.

– پایبندی همه احزاب و جریانات به بیانیه آزادیهای سیاسی و پیروی از آن از سوی همگان و رجوع به این آزادیها بعنوان اصولی برای حل همه منازعات و معضلات

– در یک مهلت شش ماهه بعد از تامین شرایط آزادانه فعالیت احزاب و جریانات سیاسی و ارائه راه حلایشان، در فضایی آرام و آزاد خود مردم عراق درباره حکومت آینده عراق تصمیم

علیه آزادی و رفاه مردم عراق و در جبهه ارتجاع قرار گرفته اند بلکه مساله کرد را به سرمایه سیاسی ای در خدمت معامله گری با نیروهای ارتجاعی جهان و عراق بدل کرده اند. علم کردن پرچم فدرالیسم توسط این احزاب، گذشته از اینکه مردم کردستان را به شهروندان درجه دو بدل میکند، همزمان هویت قومی به نشان میپوشاند، آنها را در مقابل مردم عرب زبان و ترک زبان قرار میدهد و از این راه باعث تداوم کینه قومی و جنگ و دعوی ملت پرستانه در عراق میشود و شکاف بزرگی در صفوف کارگران و توده مردم ایجاد میکند.

– اسلام سیاسی، چه آنها که در کنار آمریکا قرار گرفته اند و چه آنها که توسط جمهوری اسلامی ایران و دولت سعودی حمایت میشوند، با شعار "پاکسازی سرزمین مسلمانان از اشغالگران" و ایستادن در مقابل "توطئه صهیونیزم" و با بهره برداری از شرایط گرسنگی و فلاکت مردم، بر موج مخالفت و ناراضیتهای مردم علیه سیاستهای آمریکا و حضور نظامی آن سوار میشوند. این جنبش باندهای ارعاب و ترور کورکورانه و انتحار و بازگرداندن جامعه به سنن و فرهنگ قرون وسطاست و میخواهد حکومت اسلامی بر مردم عراق تحمیل کند.

– حزب کمونیست کارگری عراق برای پاسخگویی به این اوضاع و برچین بساط سناریوی سیاه و پیامهای خنجر آن، همچنین در راستای تحقق آینده ای مطلوب که در آن مردم عراق بتوانند به اهداف و آرزوهای خود برسند، راه حلها و سیاستهای زیر را اعلام میکند:

حزب کمونیست کارگری عراق بر مبنای هویت انسانی و برقرار کردن حقوق شهروندی برابر برای همه اهالی عراق و تاکید بر حق مردم عراق در تعیین مستقیم نظام سیاسی مورد نظر خود علیه آلترناتیو و سیاست و استراتژی آمریکا و نظم نوینش در عراق میایستد و برای به شکست کشاندن آن، مبارزه مردم عراق پمنا به بخشی از مبارزه مردم آزادیخواه و متدمن جهان را نمایندگی میکند.

از نظر حزب کمونیست کارگری عراق، تنها راه حل و آلترناتیو تامین آینده ای که آزادی و برابری و رفاه مردم عراق را به بهترین وجه تضمین کند، سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی است. در همانحال حزب

بگیرند.
– حل فوری مساله کرد از طریق مراجعه به آراء مردم کردستان در یک referendum عمومی و آزاد برای تصمیم گیری درباره ماندن در چارچوب دولت عراق با برخورداری از حقوق برابر شهروندی و یا جدایی و ایجاد دولت مستقل

حزب کمونیست کارگری عراق به میدان آوردن یک جنبش توده ای متشکل و مستقل حول آلترناتیو سوسیالیستی خود و بر همین سیاق متشکل کردن توده کارگر و زحمتکش حول حزب و شوراها و سازمانهای توده ای، خواه برای اداره امور اجتماعی در محلات و کارگاهها و شهرها و خواه برای استقرار حاکمیت مستقیم خود مردم را یک فاکتور اساسی در تعیین تکلیف اوضاع سیاسی عراق و تعیین نظام سیاسی مطلوب مردم میدانند. حزب کمونیست کارگری عراق از هم اکنون و در دل شرایط کنونی با همه توان در این راستا خواهد کوشید و کارگران و مردم آزادیخواه را فرا میخواند که حول این آلترناتیو و راه حل گرد آیند.

۱۸ مه ۲۰۰۳

بیانیه آزادیهای سیاسی

به منظور برقراری شرایطی که در سایه آن امکان فعالیت آزادانه و آرام سیاسی برای مردم و همه نیروهای سیاسی در جامعه فراهم شود، احزاب سیاسی بتوانند آزادانه آلترناتیو و راهحلهای خود را در معرض دسترس مردم قرار دهند و مردم نیز بتوانند آگاهانه و آزادانه برای تعیین حکومت مطلوب خود اعمال اراده کنند، لازم است بندهای زیر به رسمیت شناخته شود و تمام نیروهای سیاسی به رعایت آنها متعهد شوند:

- ۱- آزادی بی قید و شرط سیاسی، عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل و اعتصاب و تحزب.
- ۲- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، الغای کلیه قوانینی که از مذهب نشات گرفته اند، آزادی مذهب و لامذهبی.
- ۳- برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در حقوق فردی و اجتماعی، الغای کلیه قوانینی که خلاف این اصل هستند.
- ۴- برابری کامل همه شهروندان صرفنظر از هویتهای ملی، جنسی، مذهبی و نژادی و قومی و طائفهای.
- ۵- لغو مجازات اعدام.
- ۶- دسترسی همگان و علیالخصوص احزاب و سازمانها به رسانه های جمعی عمومی و دولتی.

حزب کمونیست کارگری عراق

۱۸/۵/۲۰۰۳

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید!

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتماً بما اطلاع دهند.

تلفن: ۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+ جواد اصلانی
ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی
۸ مه ۲۰۰۳

مراسم بعداً با اطلاعاتتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میایند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانند بطرف زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرند.

همانطور که در اطلاعیه های قبلی با اطلاعاتتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند. اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری

از صفحه ۱ اوضاع سیاسی ایران ۰۰۰

حزب کمونیست کارگری ایران قرار میدهد که باید برای مصون کردن مردم و زندگی آنها در مقابل خطر عراقییزه کردن ایران به پیاده کردن نقشه این جریانات اجازه ندهد. جریان راست نماینده بخشی از بورژوازی ایران است، نماینده طبقه ای است که میخواهد بر مبنای اقتصاد کار ارزان و حکومت مبتنی بر دیکتاتوری پلیسی و نظامی حقوق و آزادی و رفاه جامعه را گرو بگیرد، از اینرو به جنبش سرنگونی مردم بیربط است و از جنس آن نیست. امیال و آرزوهای انسانی مردم، رفاه و خوشبختی و حرمت انسانها، و آزادیخواهی و برابری طلبی جنبش سرنگونی را حزب کمونیست کارگری نمایندگی میکند. راه رهایی مردم از دست جمهوری اسلامی و بدست گرفتن سرنوشت انسانها توسط خودشان از طریق رفتارندم کلانی و فرمایشی جریانات راست و دخالت آمریکا و بند و بست از بالا ممکن نیست. راهش انقلاب کارگری است، راهش سرنگونی جمهوری اسلامی بدست مردم و با اتکا به قدرت مردم و حزب کمونیست کارگری است. حزب ما برای تحقق این امر تلاش میکند. برای به سرانجام رسیدن این هدف حزب، طبقه کارگر ایران باید به میدان بیاید و در سیاست ایران دخالت کند و با بلند کردن پرچم سوسیالیسم و در پیشاپیش جنبش سرنگونی برای آزادی کل جامعه لازم است خود را سازمان دهد. حزب کمونیست کارگری ایران، حزب طبقه کارگر و حزب مردم آزادیخواه برای تحقق آزادی و برقراری جمهوری سوسیالیستی قدرتمند در صحنه سیاست است. به دور حزب هر چه وسیعتر باید گرد آمد تا حرکت بسوی سرنگون کردن رژیم اسلامی و ساختن جامعه انسانهای آزاد و برابر شتاب بگیرد.

سرنوشت مردم آن بعد از حمله آمریکا، ماهیت و چهره واقعی جریان سلطنت طلب را که دنبالش پیاده کردن نسخه عراق است عریان کرد. بجز طبقه بورژوازی ایران که بعد از جمهوری اسلامی حاکمیت این جریان راست منتفش را تامین میکند، توده میلیونی مردم ایران چرا باید به پشتیبانی از این جریان دست بزنند و چرا باید با دست خود به استقبال سرنوشتی بروند که مردم عراق امروز گرفتار آن هستند؟ بنابراین روشن است که کارگر و زن و جوان و همه مردم آزادیخواهی که برای ساختن یک جامعه در شان انسان علیه رژیم اسلامی به میدان آمده اند، در مقابل این جریان راست و ارتجاعی خطرناک میایستند.

اما جریان سلطنت طلب به تاثیر بشدت منفی دفاع از حمله آمریکا به عراق و نمایان شدن چهره ارتجاعی و ضد انسانی آن نزد مردم ایران مطلع است. اما اینرا هم میدانند که بدون حمایت آمریکا این جریان هیچ شانس برای دستیابی به قدرت ندارد و باعتبار خودشان نزد مردم سکه ای نیستند. از اینرو فعلاً، و برای به بازی گرفته شدن توسط آمریکا، از یکسو تلاششان را روی جلب حمایت پنتاگون متمرکز کرده اند و از سوی دیگر برای بزک کردن ماهیت خود نزد مردم سعی میکنند به رفتارندم بازی و تشکیل شورای رهبری و امروز فقط اتحاد" و غیره متوسل شوند و از نقش آمریکا در تحولات ایران هم رسماً و علناً کمتر حرف بزنند.

اما وضعیت جدید ناشی از اشغال عراق و تلاش های تبلیغی سلطنت طلبان و همچنین جریانات ملی اسلامی که شکست مفتضحانه دو خرداد آنها را مجبور به همسوئی به سمت این جریان راست کشانده است، خواه ناخواه ممکن است بخشی از جامعه ایران را تحت تاثیر قرار دهد. و این یک مساله جدیدی در مقابل

سر مردم عراق آمد. اگر در اوایل و یا قبل از حمله آمریکا بخشی از مردم ایران نسبت به پیامدها و فجایعی که دامنگیر مردم عراق میشود ناروشن بودند، اما خیلی سریع مردم با چشم خود نتایج چنین شکلی از تغییر یک رژیم را مشاهده کردند و موج مخالفت در ایران نیز با سیاست آمریکا بالا گرفت، و این قابل انتظار و طبیعی بود. علیرغم تبلیغات فاشیستی جریان راست در جریان حمله آمریکا که از جمله به جنگ ایران و عراق و "انتقام" از حکومت جنایتکار صدام و تجاوز به "تمامیت ارضی" ایران و غیره برای توجیه یورش نظامی به عراق اشاره میشد، اکثریت مردم آزادیخواه و انساندوست در ایران پشت این تبلیغات نرفتند و با آن همسو نشدند. و این طبیعی بود، نمیشد مردمی که شاهد لت و پار شدن کودک و پیر و جوان بودند، مردمی که ویرانی جامعه عراق را با باران دهها هزار بمب و موشک شاهد بودند، و مردمی که میدیدند ارتجاعی ترین جریانات قومی و مذهبی مرتجع و آزادی ضد انسان و خوشبختی و آزادی مردم در جریان حمله آمریکا به صحنه سیاست عراق پا میگازارند بر این جنایت بزرگ در عراق صحنه بگازارند. بطور واقعی از هم پاشیدن شیرازه جامعه عراق و تبدیل آن به جولانگاه کثیف ترین جریانات ضد مردمی، آینه تمام قلی است که در صورت تکرار چنین سناریویی در ایران در آن مشاهده میکنند. بنابراین برای مردم ایران، حتی بدون مراجعه به سابقه قبلی جریان سلطنت و توجه به نوع حکومت پلیسی نظامی آنها، همین که این جریان دستیابی به قدرت سیاسی را در عراقییزه کردن ایران و نابودی زندگی مردم جستجو میکند، کفایت تا سرنوشت و آینده مردم در دست این جریان را نمایان سازد. باین معنی تجربه عراق و

ناچیز است، اما بهرحال برای جریان راست یک فاکتور مثبت ارزیابی میشود. جریان راست و سلطنت طلب که برای دستیابی به قدرت و مهار انقلاب و حرکت رادیکال مردم علیه جمهوری اسلامی راهی جز اتکا به قدرت نظامی آمریکا و بند و بست از بالا نمیشناسد و ندارد، فکر میکند یک قدم به هدف خود یعنی بدست گرفتن قدرت در ایران نزدیک شده است و حمله آمریکا به عراق را یک نعمت و موهبت الهی تلقی کرد. بهمین دلیل از ابتدا در بوق و کرنا کردند که "بعد از عراق نوبت ایران است"، و از یورش جنایتکارانه نیروی نظامی آمریکا به مردم عراق پشتیبانی کردند و برای کشتار مردم هورا کشیدند.

این جنبه از تاثیر اقدام نظامی آمریکا روی سلطنت طلبان منجر به شتاب دادن به تلاش و فعالیت آنها در دو جهت شد: از یکسو تلاش برای مقبولیت نزد پنتاگون بعنوان آلترناتیو حکومت اسلامی و کاندید کردن خود بعنوان چلیبی ایران، و از سوی دیگر راه انداختن نمایشات تبلیغی در میان صفوف خود و اپوزیسیونی که از دو خرداد بریده اند. علم کردن "شورای رهبری" توسط آقای رضا پهلوی نمونه اخیر این تلاش است. این جنبه البته جدید نیست و ادامه روشی است که این جریان برای رسیدن به قدرت از طریق کمک آمریکا جستجو میکرده است. اما اگر این وجه تاثیر اشغال عراق توسط آمریکا به سود سلطنت طلبان ارزیابی شده است، در عوض، از یک جنبه دیگر، حمله آمریکا به عراق به شدت به ضرر جریان سلطنت طلب عمل کرد، از جنبه معرفی و باز شدن مشت آنها نزد مردم ایران. مساله بسادگی برای مردم ایران مشاهده واقعیتی است که در عراق اتفاق افتاد و بلاتی که در اثر حمله آمریکا به

حکومت انسان ستیز جمهوری اسلامی را داشتند، امروز به همسوئی و نزدیکی با جریان راست ارتجاعی دیگر، سلطنت طلبان روی حزب کمونیست کارگری ایران در به شکست کشاندن پروژه اصلاح جمهوری اسلامی باعث شد که این حزب در متن صحنه سیاسی ایران و نزد مردم آزادیخواه جایگاه برجسته تری پیدا کند و موقعیتش بعنوان پرچمدار آزادیخواهی و برابری طلبی و بعنوان نماینده خواست و آرزوی انسانی مردم و نماینده چپ جامعه ایران تثبیت و محکمتر شود. باین ترتیب امروز جامعه در مقابل دو آلترناتیو راست و چپ برای آینده سیاسی ایران قرار گرفته است، حزب کمونیست کارگری و جریان راست طرفدار آمریکا که سلطنت طلبان در مرکز آن قرار دارند. اما فاکتور جدید، حضور نظامی آمریکا در عراق، تاثیرات مهمی روی تحولات درون اپوزیسیون و تحرک آنها و همچنین موقعیت جنبش سرنگونی و مسائل مقابل حزب کمونیست کارگری میگازارد که مختصر به آنها میپردازم.

بعد از عراق

حضور نظامی آمریکا در عراق و سیاست خارجی دولت آمریکا مبنی بر "تغییر رژیم" هائی که مضر به حال منافع آمریکا قلمداد بشوند، روی اپوزیسیون راست و سلطنت طلبان دو تاثیر متفاوت و متناقض گذاشت. آمریکا اکنون در موقعیتی قرار دارد که میتواند از موضع قدرت و بالاتری نسبت به قبل از اشغال عراق با جمهوری اسلامی برخورد کند. موقعیت جدید آمریکا، گلشته از امکان و توانش برای تکرار سناریوی عراق در ایران، که بنظر من بسیار ضعیف و